خبر

## دو تجمع اعتراض در دانشگاه تهران

**گروه اجتماعی:** در ادامه اعتراضات دانشجویی دانشگاه تهران دیروز دو تجمع در حوالی دانشکده حقوق و علوم سیاسی این دانشگاه برگزار شد. از سویی دانشجویان بسیجی در صحن دانشکده حقوق تحصنی در اعتراض به تخریب نمایشگاه شهدا در سالروز آزادسازی خرمشهر ـ روز چهارشنبه- برگزار کرده بودند و از دیگر سو دانشجویان معترض به بازنشستگی چند استاد برجسته دانشکده حقوق در مقابل این دانشکده تریبون آزادی تشکیل داده بودند. مسئول بسیج دانشجویی دانشکده حقوق دیروز در جمع متحصنان سخنرانی می کرد. او گفت: «از نقش منفعلانه انتظامات دانشگاه انتقاد می کنم. به دانشکده حقوق حمله کردند، یادمان شهدا را که به مناسبت سوم خرداد تاسیس شده بود به وحشیانه ترین صورت تخریب کردند و عکس شهدا را پاره کردند. ما بالاتر از شهدا خط قرمزی نداریم. به مسئولان دانشگاه اعلام می کنیم اگر این دانشجویان اخراج نشوند خودمان آنها را اخراج می کنیم.» به گزارش ایسنا در این جمع یکی دیگر از دانشجویان که به نمایندگی از جانبازان دانشکده حقوق صحبت می کرد گفت: «آنها که آرزو دارند حریم دانشگاه را با هوچی گری زیر سئوال ببرند باید این آرزو را به گور ببرند. از مسئولان می خواهیم نسبت به تصفیه افرادی که تحت عنوان دانشجو به خون شهدا تجاوز کردند اقدام کنند، اگر نه ما آنها را تصفیه می کنیم و به هیچ عنوان به آنها اجازه حرکت نخواهیم داد.» دانشجویان بسیجی با صدور بیانیه‌ای نیز خواهان جلوگیری رئیس دانشگاه از اغتشاش گران شدند که «در غیر این صورت فرزندان شهدا و ایثارگران به هیچ وجه این بی حرمتی ها را تحمل نمی کنند و خود وارد عمل می شوند.» اما دانشجویان معترض به بازنشستگی استادان برجسته دانشکده حقوق در مقابل این دانشکده پشت تریبون آزاد سخن می گفتند. به گزارش ایسنا یکی از دانشجویان سخنگو در این تریبون آزاد گفت: «مطالبات ما مشخص و منطقی است. ما خواهان استعفای ریاست دانشگاه هستیم. آیا این درست است که مهندسی را به ریاست حوزه علمیه قم بگمارند؟ رئیس دانشگاه باید از سوی اعضای هیات علمی انتخاب شود. بازنشستگی اساتید به این صورت مورد قبول ما نیست و معتقدیم شأن آنها رعایت نشده است. برخوردهای انضباطی با دانشجویان نیز باید پایان پذیرد، قرار بود هیچ حکمی در مورد حوادث اخیر برای دانشجویان صادر نشود اما شده است.» دانشجوی دیگری در این تریبون دانشجویی گفت: «ما را به دانشجونما و اراذل و اوباش تشبیه کرده‌اند. کارت دانشجویی تان را بالا بگیرید تا فردا به اراذل و اوباش بودن متهم نشوید.» درحالی که دو تجمع اعتراضی دیروز ظهر در دانشگاه تهران برگزار می شد وزیر علوم برای بازدید به دانشگاه امام صادق(ع) رفته بود. به گزارش مهر محمدمهدی زاهدی ناهار را نیز کنار دانشجویان در سلف سرویس این دانشگاه صرف کرد و در سخنانی از اصلاح در علوم انسانی دانشگاه ها سخن گفت. مدیرکل حراست وزارت علوم نیز دیروز اعلام کرد که «دانشگاه تهران تمهیدات لازم برای جلوگیری از درگیری ها را اندیشیده است و وزارت علوم قصد رسانه‌ای شدن درگیری ها را ندارد.» به گفته علی اصغر زارعی «وضعیت کوی دانشگاه تهران آرام است» و «ناآرامی دیگری را پیش بینی نمی کنیم». با این حال علی نیکونسبتی عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت دیروز در گفت وگو با ایلنا گفت: «دانشجویان معترض دانشگاه تهران اعلام کرده‌اند تا زمان رفع مطالباتشان از سوی مسئولان دانشگاه و وزارت علوم به تجمعات اعتراضی خود ادامه خواهند داد.»

### بر اساس آمار تا شامگاه روز گذشته

# زلزله اندونزی بیش از ۳ هزار قربانی گرفت

**گروه اجتماعی:** انبوهی از اجساد، همزمان با غروب خورشید نزدیک قبرستان منطقه یوگیاکارتای اندونزی روی هم تلنبار شده. این جنازه ها قربانیان زلزله ۶/۲ ریشتری روز گذشته اندونزی هستند. روز گذشته همزمان با طلوع خورشید در منطقه «یوگیاکارتا»ی اندونزی در فاصله ۲۵۰ مایلی شرق جاکارتا، زلزله بزرگی روی داد و سبب تخریب و تلفات بسیاری شد. به طوری که تا پیش از غروب آفتاب تعداد قربانیان به حدود ۳هزار نفر رسید و بیش از یک هزار و ۵۰۰ تن مجروح شدند که حال بسیاری از آنها وخیم گزارش شده است. این آمارها در حالی افزایش لحظه به لحظه می یابد که بسیاری از زلزله‌زدگان زیر آوار هستند و به گفته ساکنین منطقه فریادهایشان آرام آرام خاموش می شود. تصاویر مخابره شده از خبرگزاری ها کودکان، زنان و مردانی را مجروح و در حالت اغما نشان می دهد، خانه ها ویران شده و به گفته امدادگران تلاش ها برای نجات ادامه دارد. مسئولان امداد و ساماندهی فعال در منطقه با یادآوری سونامی سال ۲۰۰۴ می گویند: ساعاتی پس از زلزله شروع به جمع آوری کودکان بی سرپرست کرده‌ایم، تا حادثه دزدی کودکان سونامی مجدداً تکرار نشود. از طرفی مرکز حمایتی و درمانی آکسفام به همراه دولت انگلیس و فرانسه برای کمک رسانی سریع اعلام آمادگی کرده‌اند. در همین حال مسئولان محلی با ابراز نگرانی از وضعیت پیش آمده از کمبود امکانات دارویی و نبود نیروی متخصص می گویند و از دولت درخواست کرده‌اند تا هرچه سریع تر پزشک، پرستار، امدادگر و وسایل پزشکی، درمانی، بهداشتی به منطقه ارسال کند. از سوی دیگر تمامی بیمارستان ها، مساجد، کلیساها و بناهایی که تخریب شده مملو از مجروحان و آسیب دیدگان است. بسیاری از مردم نیز از ترس و وحشت حاضر به بازگشت به مکان های امن تعبیه شده نیستند. بسیاری از آنها نگران وقوع آتشفشان هستند که از چندی پیش در اندونزی فعال شده است. وزیر انرژی اندونزی بدون رد احتمال ارتباط این زمین لرزه و وقوع آتشفشان گفت: نمی توان این دو واقعه را مرتبط ندانست، شاید حجم عظیمی از ماده مذاب پس از زلزله به راه افتد. به همین دلیل امدادگران و کارشناسان زمین شناسی در منطقه مستقر شده‌اند. دولت اندونزی از ارتش نیز خواسته به کمک آسیب دیدگان بیاید. یکی از مصدومین این حادثه می گوید: «از خواب بیدار شدم و در حال آماده کردن صبحانه بودم، ناگهان صدایی مانند زوزه شنیدم و همه چیز به هم ریخت. تنها فرصت کردم از پنجره آشپزخانه بیرون بپرم.» یکی دیگر از ساکنین این منطقه که در هتل تخریب شده ساکن بوده، می گوید: دیوارها ترک خورد، زمین دهان باز کرد و دیگر چیزی متوجه نشدم تا در بیمارستان چشم باز کردم.»

امدادگران مردم را زیر پناهگاه های اضطراری پلاستیکی سکنی داده‌اند اما مردم امکاناتی در اختیار ندارند. فرودگاه منطقه تخریب شده و جاده ها، پل ها و راه های ارتباطی به شدت آسیب دیده. ضمن آنکه برق و تمامی سیستم های حرارتی از کار افتاده است. بر اثر این زمین لرزه بسیاری از آثار تاریخی این شهر باستانی که مربوط به قرن نهم است، تخریب شده است. این زلزله بزرگترین حادثه پس از حادثه سال ۲۰۰۴ لقب گرفته است. به گفته امدادگران هنوز هیچ آمار دقیقی از تعداد زخمی ها و کشته ها نمی توان ارائه داد.

## سه لابی علیه رابطه ایران و آمریکا

**ادامه از صفحه اول**

اکنون معادلات داخلی و خارجی دستخوش تغییر شده‌اند. شاید به نظر برخی ساده‌انگارانه به نظر می رسد ولی به باور من شرایط برای نشستن پشت میز دارد سخت تر می شود و زمان برای مانورهای سنجیده و ماهرانه مذاکره‌کنندگان زبردست، تیزبین و دلسوز منافع ملی متفاوت می شود. اگرچه ممکن است چنین افقی به سرعت دگرگون شود. شهامت و جسارت چنین تصمیم گیرندگانی از بزرگی و احترام و هیمنه آنان نخواهد کاست.

**■آیا الان اراده برای مذاکره با آمریکا وجود دارد؟**

اینکه آقای احمدی نژاد نامه‌ای به جورج بوش نوشته‌اند حکایت از وجود رگه هایی از عزم و اراده دارد. ولی داشتن ارزیابی صحیح از درجه موفقیت آن منوط به اطلاع دقیق از ترکیب عبارت بندی نامه و درجه القای اعتمادبرانگیز بودن آن در کلیت نامه و استدلالات مندرج در آن و نیز برآورد واقع بینانه از درجه نفوذ نئوکنسرواتیست ها در هیات حاکمه آمریکا است. البته پارامتر زمان عنصر مهمی برای داوری و ارزیابی است که این کار مهم بوده یا نه. اگرچه من با هرگونه رفتار سنجیده و ایجابی برای حل و فصل بحران موافق هستم ولی می بایست دقت کرد. برخی موعظه ها، نشانی غلط به رقیب خصم می دهد. مشورت با نخبگان آگاه بر پختگی هر مانوری عمق و غنای بیشتری می بخشد.

**■منظورتان نامه نگاری اخیر با رئیس جمهور آمریکا است؟**

بله، البته آمریکایی ها حتی از همین فرصت هم نتوانستند استفاده کنند و خودشان را اسیر ابهامات کردند.

**■شما قائل به تاثیر تسخیر سفارت بر روابط امروزی ایران و آمریکا پس از ۲۸ سال هستید؟**

تا آنجا که مربوط به سیاست خارجی و روابط ایران و آمریکا می شود و صرف نظر از توجیهات منبعث از ضرورت های زمان خود در روند تکاملی روحیه انقلابی، باید بگویم که این اقدام انقلابی دانشجویان به طور طبیعی نمی توانست کمکی به بهبود و گسترش مناسبات دوجانبه ایران و آمریکا بکند. فارغ از تاثیرات این سهل است ابزار مناسبی به آمریکا داده بود که از ایران نزد افکار عمومی غربی ها یک چهره منزوی و حتی یک امر در شکستن هیبت و هیمنه غرب در اذهان و تاثیرات آن در موازنه قدرت در داخل، از دیدگاه سیاست خارجی این واقعه هزینه زیادی داشت. امیدوارم روزی امکان تحقیق بیشتری روی چیستی و چرایی این واقعه به وجود بیاید.

**■جایگاه ایران در استراتژی ایالات متحده کجا است؟ رایس اخیراً اعلام کرده است که ایران از مدل لیبی در پرونده اتمی پیروی کند تا مناسبات دو کشور به سمت عادی شدن حرکت کند. آیا واقعاً با توقف غنی سازی در ایران، روابط ایالات متحده با ایران از وضع خصمانه درخواهد آمد؟ در آن وضعیت سرانجام طرح خاورمیانه بزرگ را چطور می بینید؟**

اینکه جایگاه ایران در استراتژی آمریکا کجاست، بحث مستقل و کاملی می طلبد. ولی خیال نکنید که می خواهم از پاسخ به آن طفره بروم نه برعکس، تا آنجا که در حوصله این بحث باشد با رعایت ایجاز به آن خواهم پرداخت. سئوالی که کردید در حقیقت می تواند به صورت سه و یا چهار سئوال و یا بخش مجزا مطرح شود.

**■بسیار خوب، از بخش مربوط به مدل لیبی شروع کنید.**

اول روشن کنیم و ببینیم مدل لیبی چه مدلی است. بعضی تصور می کنند که همین که معمر قذافی سال گذشته ۳۰۰-۲۰۰ تن ماشین آلات و تجهیزات مرتبط با غنی سازی اورانیوم و آهن پاره های پروژه اتمی خود را در هواپیما بارگیری کرد تا در فلوریدا تبدیل شود و تا اینکه چند روز پیش (Bad Boy) یک (Nice Guy) به آمریکایی ها تسلیم کرد و موجب شد که قذافی از یک چهره نامطلوب به یک همراه تبدیل شود.

واقعیت این است که مسئله قذافی در درک و ارزیابی موقعیت جدید خود در فضای بین المللی جدید و نیز جغرافیای سیاسی متفاوت پس از جنگ سرد و یا قطعنامه شورای امنیت درخصوص همکاری در قضیه لاکربی و یا پرداخت غرامت چند میلیاردی و تحویل متهمین بمب گذاری در هواپیمای پان آمریکن - که از کارگزاران نزدیک و معتمد او بودند -محدود و خلاصه نمی شود. حتی پیشکش کردن قراردادها و امتیازات پرسود و سخاوتمندانه نفتی به کمپانی های آمریکایی، انگلیسی و فرانسوی به تنهایی کارساز نبود. شوک و ضربه اولیه به قذافی در پایان عصر برژنف وارد آمد. در آن هنگام به دنبال اختلاف در خصوص ادعای قذافی در داشتن حقوق تاریخی در «خلیج سدریا» فراتر از آنچه دیگر کشورهای ساحلی به گونه‌ای متعارف از آن برخوردار بودند با هواپیماهای آمریکا در فضای مورد اختلاف درگیر شدند و هواپیماهای آمریکا پس از ساقط کردن دو میگ نیروی هوایی لیبی با موشک کاخ قذافی را هدف قرار دادند که منجر به کشته شدن پسر خوانده وی گردید. در آن زمان لیبی به همراه یمن جنوبی و سوریه و یکی دو کشور دیگر منطقه جبهه امتناع را تشکیل می دادند و از ستون‌های مورد اعتماد شوروی در خاورمیانه و شمال آفریقا به شمار می رفت پس از این حمله به غیر از پاره‌ای قطعنامه های شعارگونه در چهارچوب غیرمتعهدها و سازمان کنفرانس اسلامی و تقبیح سخنگوها و نظایر آن واکنش ملموسی دیده نشد و فریادرسی نبود. این امر قذافی را به تامل واداشت. البته به حسب ظاهر لیبی شعارها و خط مشی خود را تا پایان جنگ سرد حفظ و دنبال کرد. ولی واقعیت این است که مورد جمهوری اسلامی ایران با قضیه لیبی و معمر قذافی به صورت بنیادین متفاوت است. مقایسه موقعیت و جایگاه ایران و لیبی قیاس مع الفارق است. اولاً در قضیه لیبی اساساً برنامه هسته‌ای قذافی هیچگاه به صورت یک معضل بین المللی مطرح نبود. اساساً چه در مورد ادعاهای او در خصوص پروژه غنی سازی برنامه هسته‌ای این کشور و حتی تعطیل و تحویل آن راستی آزمایی گسترده و قابل اعتمادی توسط منابع بی طرف و مستقل بین الملل صورت نگرفته بود.

ثانیاً موقعیت جغرافیایی، ظرفیت های بالقوه و رژیم و نظام های دو کشور متفاوتند. اگر قذافی را از لیبی منها کنند به جز چند چاه نفت و چند شتر و مردمی که حداقل مبتلا به نوعی گیجی سیاسی ناشی از حکومت متجاوز از ۴۰ سال خودکامگی و شعارزدگی هستند باقی نمی ماند و حال اینکه جمهوری اسلامی پیشاهنگ تفکری است که قائم به فرد نیست. لیبی با پایان جنگ سرد و پایان مناقشه اعراب و اسرائیل اهمیت استراتژیک خود را از دست داده است و اگر دور از نزاکت نبود عرض می کردم تاریخ مصرف قذافی سپری شده است. اگر به نظریه استراتژیست های آمریکا چه دموکرات، چه جمهوری خواه نگاه کنیم می بینیم که در نگاه هر دو حزب به دلیل موقعیت استراتژیک و ژئواستراتژیک جمهوری اسلامی، ایران در عمق استراتژیک ایالات متحده قرار دارد.

**■به نظر شما با توجه به موقعیت آمریکا در خاورمیانه به خصوص مسائل عراق، آمریکایی ها به مشورت با ایران نیاز دارند؟**

بله، آمریکایی ها در نهایت نیازمند مذاکره و ارتباط با ایران هستند. بایست دقت داشته باشیم که خود را اسیر مانورها و تاکتیک های آمریکایی ها نکنیم.

**■ایران و آمریکا منافع مشترک فراوانی در منطقه دارند. پیشتر ایران و آمریکا لیستی از منافع مشترک تهیه کرده بودند. اما آن لیست در حال حاضر کنار گذاشته شده است.**

بله ایران و آمریکا اشتراکات زیادی در منطقه خاورمیانه دارند. هر دو کشور می توانند در مبارزه با تروریسم تند و خشن و مواد مخدر با هم کار کنند. در مبارزه با القاعده و طالبان یک گونه نگرانی دارند. در حالی که اروپایی ها به منطقه خاورمیانه نگاه عربی - سنی دارند، آمریکایی ها نگاهی دیگر به منطقه دارند و ایران را در میانه عمود خیمه ژئوپولتیک شیعه می دانند. آمریکایی ها ته دلشان هم می دانند تنها کشوری که در خاورمیانه دموکراسی دارد، ایران است اگر چه نگاه ایران و آمریکا به دموکراسی متفاوت است. آزادی و حقوق بشر ابزار گزینشی ایالات متحده است اما آنها به تاریخ تمدن ایران واقف هستند به همین دلیل در عمق استراتژیک آمریکا جا دارد. ایران در منطقه خاورمیانه برای آمریکایی ها هیچگاه در حاشیه قرار نخواهد گرفت.

**■این عمق استراتژیک به طور کلی به نفع ایران است یا تهدیدی برای منافع تهران به شمار می آید؟**

بر خلاف لیبی در دوران پس از جنگ سرد، ایران شاید در زمره معدود کشورهایی در منطقه باشد که به اهمیت استراتژیک آن اگر نگوییم افزوده شده، کاهش نیافته است. با فروپاشی شوروی، آسیای مرکزی و قفقاز و منابع انرژی هیدروکربنی آن در حوزه ایران و در همسایگی ما پدیدار شده است. اینکه ما نتوانسته‌ایم آن طور که باید و شاید از این ظرفیت و فرصت بهره برداری کنیم و یا بعضاً این فرصت ها به تهدیدی بدل شده‌اند از ارزش و انسجام استدلال مان کم نمی کند. البته نباید به رایس وزیر خارجه ایالات متحده هم خرده بگیریم چون امروز شناخت آمریکا از ایران به دلیل فاصله ۲۸ ساله‌ای که داشتیم درک درستی نیست. ایران هم اکنون همانند پلی است که بین دو حوزه عمده تامین کننده بالانس انرژی جهانی قرار دارد و این فقط پل ترانزیتی نیست و خود یکی از تولید کنندگان و بازیگران عمده منطقه است. آمریکا نمی تواند ربع قرن دیگر منتظر و معطل بماند و سیاست «یا همه و یا هیچ» را دنبال کند. آمریکایی ها مردان از دست دادن فرصت های تاریخی بوده‌اند.

**■فرصت هایی که از طرف ایران مهیا شد؟**

بله.

**■چه فرصت هایی؟**

ما بعد از یازدهم سپتامبر دو واقعه دیگر هم داشتیم. یازدهم سپتامبر، سیزدهم نوامبر و بیست و دوم دسامبر سه روزی بود که آمریکایی ها قدر آن را ندانستند. یازدهم سپتامبر روزی بود که تمام ملت ایران، مقام معظم رهبری و دولت حادثه تروریستی به برج های دوقلوی سازمان تجارت جهانی را تقبیح کردند. در ۱۳ نوامبر ائتلاف علیه تروریسم به مدد فرماندهی ایران، کابل را فتح کردند. آمریکایی ها هیچ نقشی در فتح کابل نداشتند. آنها می ترسیدند حتی به دروازه کابل نزدیک شوند. چند روز پس از این واقعه در بیست و دوم نوامبر حامد کرزی وارد کاخ ریاست جمهوری افغانستان شد اما چه اتفاقی بین بیست و دو نوامبر تا بیست و هشت ژانویه افتاد که بوش ایران را در محور شرارت قرار داد؟

**■لابی اسرایل فعال شده بود؟**

فقط لابی اسرائیل نبود پاکستانی ها هم اطلاعات غلط به آمریکا دادند لذا آمریکایی ها هم فرصت را از دست دادند. هرگاه ایران و آمریکا درصدد تنش زدایی برآمدند سه لایه لابی یهودی، ضد انقلاب و برخی کشورهای عربی منطقه به صورت جدی وارد و مانع شدند. با این همه اگر آمریکایی ها در مقابل مردم، دولت و انقلاب ایران متواضع برخورد می کردند، اینگونه منزوی نمی شدند. ایالات متحده یک واقعیت در جهان است مثل ایران. اگر آنها کنار ایران بودند دچار این مشکلات نمی شدند.

**■یعنی هیچ اراده‌ای در آمریکا برای ارتباط بهتر با ایران وجود نداشت؟**

نه. یازدهم سپتامبر فرصت بی نظیری برای آمریکا بود تا رفتار استعماری شان را بازسازی کنند. ولی متاسفانه با رفتار خود در گوانتانامو، فاصله خود را با دنیای اسلام زیادتر کردند.

**■به نظر شما جایگاه ایران در طرح خاورمیانه بزرگ در کجا است؟**

موقعیت خاص و حساس ایران در منطقه به گونه‌ای است که اگر بنا باشد طرح خاورمیانه بزرگ روزی به سامان برسد، اگر بنا باشد ترتیبات وسیع و جامعی برای امنیت منطقه‌ای تمهید شود و اگر بنا باشد که خاورمیانه فراتر از بازار مصرف کالاهای تولیدی جهان صنعتی و امانت دار دلارهای نفتی باشد و در تولید جهانی - که با افزایش جمعیت با یک معضل روبه رو است - نقش موثر داشته باشد، برای هر دو کشور آمریکا و ایران راهی به جز فکر کردن به طریقی متفاوت با آنچه در ربع قرن گذشته اندیشیده‌اند باقی نمی ماند. طرفین باید با عزم و اراده راسخ، به آنهایی که طی ربع قرن گذشته با روحیه کاسبکارانه و مرکانتیلیستی از آب گل آلود ماهی گرفته‌اند، تفهیم کنند که از «نو عالمی باید ساخته شود و از نو آدمی» و تقسیم کار جدیدی پی ریزی کنند که با الگوهای کلاسیک قرن بیستم تفاوت دارد. و اما در مورد خاورمیانه بزرگ؛ در این زمینه سخن ها بسیار گفته شده است که روایت ها و قرائت های اروپایی و آمریکایی و حتی اسرائیلی آن با یکدیگر متفاوت است. با هر نسخه‌ای که برای خاورمیانه پیچیده شود بلاتردید ایران می تواند و باید یکی از بازیگران اصلی این صحنه باشد. چه به حسب تاریخ و جغرافیا و چه از لحاظ جمعیت و ترکیب و به ویژه کیفیت جمعیتی و یا ثروت خدادادی و ظرفیت های بالقوه دیگر نمی توان ایران را نادیده انگاشت. بگذریم که در مورد دور از دسترس بودن اصل موضوع و قابلیت تحقق داشتن آن سخن بسیار است.

**■به موضوع لابی کشورهای ایالات متحده بپردازیم. پس از لابی بسیار قدرتمند اسرائیل در آمریکا، فعال ترین لابی را چه کشور و گروهی دارند؟**

ببینید، شما می توانید از لابی های متعددی نظیر لابی اعراب، لابی یونانی ها، ایرلندی ها، اسپینش ها، چینی ها و... حتی ایرانی ها که توان قابل توجهی هم چه از نظر سرمایه و یا عوامل دیگر نفوذ در جامعه آمریکا دارند نام ببرید. ولی نکته‌ای که لابی یهودی ها و اسرائیل را از دیگران متمایز می سازد موضوع و وحدت نظری است که کلیه محافل سیاسی دارند. موضوع دفاع یهود - که از بنیه مالی خوبی هم برخوردارند - در خصوص موجودیت اسرائیل و دفاع از منافع آن به عنوان یکی از این حزب ها و آن گروه و شخص هم اگر مطرح باشد امری ثانوی است. جامعه آمریکا طی ۶۰-۵۰ سال گذشته بعد از جنگ جهانی مثل بنگاهی است که هر که در آن بیشتر سرمایه گذاری کند بیشتر سود می برد. ما فرصت های زیادی در لابی داشتیم مجوزهای خوبی داشتیم که مستظهر به مسئولان نظام سیاسی ایران بودند که من ترجیح می دهم درباره آن صحبت نکنم. البته موضوع لابی درباره اسرائیل که همواره با فرافکنی در پی این موضوع است که از جانب همسایگان عرب خود در تهدید است به انسجام آنها کمک کرده است. بگذریم که سازماندهی و داشتن تشکیلات قوی که معمولاً اقلیت ها برای بقا نیاز به آن دارند به این امر کمک کرده است.

**■به نظر می رسد که با حضور ایرانیان در آمریکا که یکی از بزرگترین گروه های مهاجرین به این سرزمین هستند، پتانسیل بسیار قوی برای ایجاد لابی وجود دارد. ایرانی ها در آمریکا عموماً مناصب و تحصیلات و البته سرمایه خوبی دارند. به همه اینها باید اضافه کرد علاقه آنها را به سرزمین مادری شان. در سفر اول خاتمی به نیویورک خاطرم هست که سخنرانی ایشان در میان مهاجران ایرانی جو بسیار مثبتی به وجود آورده بود اما از این امکان هرگز به درستی استفاده نشد. چرا؟**

اجازه بدهید که از پسوند صفت عالی ترین با احتیاط بیشتری استفاده کنیم. من با شما هم عقیده هستم که ایرانی های مقیم آمریکا نوعاً دارای تحصیلات خوب و دارای پشتوانه مالی نسبتاً خوبی هستند. ولی فراموش نکنیم که در آمریکا تعداد ایرلندی ها به مراتب بیشتر از جمعیت ساکن در خود ایرلند هستند و یا تعداد یهودی ها کمتر از جمعیت اسرائیل نیست. همینطور چینی ها، ژاپنی ها، هندی ها و عرب تبارها در آمریکا که دارای ثروت هنگفتی هم هستند کم نیستند. ولی در این که ایرانی ها در هر کجای دنیا باشند و روحیه ناسیونالیستی دارند و علاقه و وابستگی به سرزمین مادری شان را هم حفظ می کنند تردیدی نیست. حتماً قضیه به کارگیری نام مجعول برای خلیج فارس توسط «نشنال جئوگرافیک» را که به خاطر دارید و دیدید که در یک امر ملی، به صورت خودجوش، ایرانیان خارج از کشور چه جلوه باشکوهی از همبستگی ملی از خود نشان دادند. در اینکه ما نتوانسته‌ایم آنگونه که شایسته است به ایرانی های خارج از کشور برسیم و آنها مورد غفلت قرار گرفته‌اند نیز تردید ندارم. شاید در دهه اول انقلاب برای این کم مهری دلایل قابل توجیه و قابل فهمی داشتیم ولی دیگر شاید مسموع نباشد. سخنرانی سفر اول آقای خاتمی و همین طور صحبت های دلسوزانه بعدی ایشان تا حدودی بعضی بی مهری ها را التیام بخشید ولی ثمربخش بودن چنین فضایی محتاج برنامه ریزی جامع و پیگیری های مستمر بود. اگرچه تا حدودی اقدامات مفیدی هم در این راستا شد ولی کافی به نظر نمی رسید. ما زمانی به فکر ایرانیان خارج از کشور می افتیم که سفری به خارج در پیش داریم و دوست داریم که جماعت انبوهی به استقبالمان بیاید و دوربین های تلویزیونی از میزان محبوبیت ما حکایت ها داشته باشند. در داخل کشور، در بهترین شرایط وقتی به یاد ایرانیان خارج از کشور می افتیم، بلافاصله چرتکه می اندازیم که مثلاً آنها چند میلیارد دلار پول دارند و چقدر می توانند سرمایه گذاری کنند. البته که این عوامل مهم هستند ولی فقط بخشی از مسائل ایرانیان خارج را تشکیل می دهند و تمامی ابعاد قضیه را پوشش نمی دهند. من شخصاً فکر می کنم که رسیدگی به امور ایرانیان خارج از کشور محتاج سازمان مستقل با بودجه و اختیارات کافی است. سفارتخانه های ما در خارج از کشور به اندازه کافی محدودیت ها و گرفتاری های دیگری دارند که به این امر خطیر کمتر برسند.

**■آیا اراده‌ای برای ایجاد یک لابی قوی وجود ندارد؟**

اگر ما بتوانیم به درد دل ایرانیان خارج از کشور به گونه‌ای دلسوزانه برسیم، آنگاه خود به خود لابی قوی از دل آن زاده خواهد شد که فقط با اندکی مدیریت می توان آن را به سمت و سوی صحیح سوق داد. البته هم اکنون نوعی لابی ایرانی در آمریکا وجود دارد که به صورت موردی خودنمایی هایی می کند. ولی یک نکته را تاکید کنم که لابی نباید دولتی باشد اگر لابی دولتی شد دیگر لابی نیست اسمش چیز دیگری است ولی البته لابی می تواند تکیه گاه دولت ها قرار گیرد و یا از طرف دولت ها مورد حمایت قرار بگیرد و تقویت شود. ما باید مطلع باشیم که لابی بدون داشتن استراتژی، مذاکره و رابطه خیلی نمی تواند موثر باشد، لابی یک حرکت تاکتیکی است. در صورتی که ما رابطه داشته باشیم با استفاده از لابی در ارکان قدرت و اجرایی دولت که شامل کاخ سفید، وزارت دفاع و شورای امنیت و لابی با مجلسین آمریکا است، لابی با مراکزی که استراتژی را تنظیم می کند لابی با مراکز مطبوعات و مراکز مذهبی از جمله مسیحی و یهودی، لابی با شخصیت های متنفذی که در بخش های صنعتی، علمی، تکنولوژیکی هستند کارساز می شود. ما امروزه با مقوله لابی چالش جدی داریم. سه لابی عربی، یهودی و ضد انقلاب ایران از جمله مجاهدین خلق علیه ایران فعالیت می کنند. آنها از مکانیسم حمایتی اصحاب قدرت در لابی شان بهره می گیرند در حالی که ما باید از صفر شروع کنیم.

**■شما سال ها در ایالات متحده حضور داشتید. علاقه ایرانیان به سرزمین مادریشان را چطور می بینید؟ آیا امکان ایجاد این لابی وجود دارد؟**

در مدت حدود شش سالی که من در نیویورک امور مربوط به تحصیل کردگان ایرانی در آمریکا را پیگیری می کردم به ظرفیت های نهان و آشکاری که در جامعه ایرانی تبار و نیز ایرانیان مقیم آمریکا وجود دارد اندکی پی بردم. عشق و علاقه ایرانیان به سرزمین آبا و اجدادیشان مثال زدنی است. عرض کردم لابی را ما نباید به وجود آوریم. ما باید بستر سازی کنیم. چنین کاری شدنی است و البته ساز و کار خود را می طلبد.

گزارش کوتاه

### بر اساس جدیدترین طرح شهرداری تهران

## تردد خودروهای تک سرنشین ممنوع می شود

**گروه اجتماعی:** هنوز ابهامات مربوط به طرح محدودیت تردد خودروهای شخصی در یک خط بزرگراهی برطرف نشده که خبر می رسد شهرداری تهران در اقدامی عجیب تر طرح محدودیت تردد خودروهای تک سرنشین را تقدیم شورای عالی ترافیک کرده است. بر اساس این طرح که در صورت تصویب شورای عالی ترافیک راه های کشور عملیاتی خواهد شد تردد خودروهای تک سرنشین به صورت کامل ممنوع خواهد شد. معاون ترافیکی شهردار تهران معتقد است در صورت اجرای این طرح ۳۰۰هزار خودرو از ترافیک تهران حذف می شود. به گفته مهرداد تقی زاده به ایرنا این طرح باعث می شود شهروندان یا خودروهای خود را از خانه خارج نکرده و یا با همکارانشان هم مسیر شوند. اما در حالی که معاون شهردار تهران این طرح را طرح هوشمند و ارزشمند در دنیا توصیف می کند معاون راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی اعلام کرد این طرح نیازمند بررسی و کارشناسی است و باید مزایا و معایب آن به طور کامل استخراج شود. به گفته سردار رویانیان نباید در اجرای این طرح با عجله تصمیم گیری کرد. وی همچنین از نظراتی سخن گفت که در صورت لزوم آنها را ارائه خواهد کرد. پیش از این نیز وزیر کشور اعلام کرده بود که به دلیل ایجاد محدودیت برای شهروندان با اجرای طرح هایی از این دست مخالف است. با این حال گفته می شود این طرح که هم اکنون در نوبت بررسی شورای عالی ترافیک قرار گرفته است با اصرار شهرداری در اولین نشست شورای عالی ترافیک مورد بررسی قرار می گیرد.

**■ طرح ممنوعیت خودروهای تک سرنشین**

مهرداد تقی زاده معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران روز گذشته از طرح ممنوعیت تردد خودروهای تک سرنشین با عنوان «طرح خود» یاد کرد که در صورت تصویب اجرایی خواهد شد. این در حالی است که پیشینه این طرح را می توان در دست کم ده سال قبل تر نیز مشاهده کرد. اوایل دهه ۷۰ و در دوران مدیریت کرباسچی یکی از مدیران از فرنگ برگشته تهران طی دیداری با معاونت حمل ونقل وقت شهرداری اقدام به ارائه طرحی با عنوان Hov Line کرد. بخشی از این طرح در واقع همان ایجاد محدودیت تردد برای خودروهای تک سرنشین بود که پس از مدت زمان کوتاهی و در اولین مرحله کار کارشناسی رد شد. ناکارآمدی طرح، ایجاد محدودیت غیرطبیعی برای شهروندان و همچنین موانع اجرایی از مهمترین دلایل این مخالفت ها اعلام شد. پس از این سال ها نیز طرح ایجاد محدودیت برای تردد خودروهای تک سرنشین به بهانه های مختلف و با تغییر مدیریت های گوناگون مطرح شد که هر بار به دلایل پیش گفته به بایگانی سپرده شد. آخرین مدیر مطرح کننده این طرح حمید بهبهانی معاون حمل ونقل و ترافیک دوره گذشته شهرداری بود که وی نیز پس از مدتی به دلیل مشکلات اجرایی از اجرای آن صرف نظر شد. وی در حالی از اجرای این طرح که به گفته خودش طرحی بی نظیر بود صرف نظر کرد که حتی شهرداری شهر تهران نیز آن را تصویب کرد. بنابر همین نکات می توان طرح ایجاد محدودیت برای تردد خودروهای تک سرنشین را نه «طرحی برای خود» که طرحی برای همه مدیران معرفی کرد که به گفته یک استاد ترافیک دانشگاه در مواقع سردرگمی و استیصال مدت زمانی ظاهر و سپس بایگانی می شود؛ روندی که به نظر می رسد در شرایط فعلی نیز در حال تکرار است.

**■ طرح غیرقابل اجرا**

طرح محدودیت تردد خودروهای تک سرنشین هنوز تصویب نشده است اما با این حال انتشار اخبار آن نیز مخالفت های شدیدی را در میان کارشناسان ترافیک و اساتید دانشگاهی برانگیخته است. مهندس شهیدی در این باره می گوید: «موضوع ایجاد محدودیت به نفع خودروهای پرسرنشین (Hov Line) قطعاً طرح خوبی است اما نه در شهری که دارای سیستم حمل و نقل عمومی بسیار ضعیف است و از همین رو عمده شهروندان آن از خودروهای شخصی استفاده می کنند.» این کارشناس ترافیکی با بیان اینکه این طرح در واقع ایجاد محدودیت بدون ارائه امکانات است ادامه داد: «در شهرهایی که از اینچنین طرح هایی استفاده می کنند ما شاهد یک نظام حمل و نقل عمومی قدرتمند و کارا هستیم که از همین رو تعداد بسیار اندکی به دلیل شرایط اجتماعی و با شغلی بالا از خودروهای شخصی استفاده می کنند.» از همین رو وی اجرای این طرح را در تهران غیرممکن دانست و اعلام کرد: «سئوال من این است که در صورت اجرای این طرح چگونه می خواهیم سلامت اجرا را تضمین کنیم.» شهیدی تعداد بالای خودروهای شخصی و همچنین ضعف سیستم های هوشمند نظارتی را از دیگر عوامل توضیح سخن خود دانست. این کارشناس ارشد ترافیکی ادامه داد: «HOV را ما وقتی می توانیم اجرا کنیم که حمل و نقل عمومی آنقدر قوی باشد که مردم نیازی به استفاده از اتومبیل شخصی نداشته باشند نه الان که مردم از روی استیصال از خودرو شخصی استفاده می کنند.» در همین رابطه دکتر جلیل شاهی نیز گفت: «این طرح می تواند مفید باشد اما نه در داخل شهر و حداکثر می توان آن را در بزرگراه های گلوگاهی توصیه کرد.» این استاد دانشگاه همچنین توجیه اجرای این طرح را تراکم بالای خودروها دانست که چون هم اکنون و از رهگذر اجرای طرح زوج و فرد وجود ندارد بنابراین توجیهی نیز وجود ندارد. وی در پایان به شرق گفت: «